

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره

تاریخ: ۱۷ آذر ۱۳۹۷

موضوع جزئی: آیه ۲۷ - ارتباط آیه با آیات قبل - مفردات

مصادف با: ۳۰ ربیع الاول ۱۴۴۰

جلسه: ۱۷

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

آیه ۲۷

« الَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ »^۱

ارتباط آیه ۲۷ با آیات قبل

در آیه ۲۷ سه وصف از اوصاف فاسقین و سپس نتیجه فسق و این اوصاف سه گانه بیان شده است. در آیه بیست و ششم فرمودند: « إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ^۲ » یعنی خداوند تبارک و تعالی فقط فاسقین را گمراه می کند و این اضلال نسبت به فاسقین، اضلال ابتدایی نیست بلکه اضلال جزایی و کیفری است. یعنی کسی که از مسیر هدایت خارج شده است به اختیار خودش، این رها می شود و خداوند فیوضات خودش را از او دریغ می کند و این منجر به گمراهی و سرگستگی می شود.

چون سخن از فاسقان به میان آمد، خداوند به مناسبت، سه وصف از اوصاف فاسقین و نتیجه نهایی فسق را بیان کرده است. این آیه و بیان اوصاف و نتیجه ای که بر این اوصاف مترتب شده، مؤید اضلال جزایی است. یعنی تایید می کند که این اضلال، اضلال ابتدایی نیست و انشاء الله کیفیت این تایید را بعدا خواهیم گفت. پس مجموعاً این آیه مشتمل بر چهار مطلب است و چهار بخش دارد. سه بخش آن متضمن بیان سه وصف از اوصاف سه گانه فساق و فاسقین است، و یکی هم نتیجه ای که بر فسق مترتب می شود.

مفردات

ابتدائاً طبق معمول مفردات این ایه را اجمالاً توضیح می دهیم و بعد سراغ بخش های چهارگانه ای که در این آیه مطرح شده خواهیم رفت.

۱. «فسق»

فسق را به این جهت معنا می کنیم که این اوصاف سه گانه در واقع تبیین وضعیت فاسقین است. «فسق» در واقع به معنای بیرون آمدن از پوست است، وقتی گفته می شود «فسقت الثمرة»، یعنی خرما از پوستش بیرون آمد. این معنای لغوی فسق است.

۱. سوره بقره آیه ۲۷.

۲. سوره بقره آیه ۲۶.

اما قرآن این واژه را در یک معنای خاصی استعمال کرده که در گذشته سابقه هم نداشته و البته با معنای لغوی هم تناسب دارد کسی که فاسق می‌شود. معنای قرآنی فسق، یعنی خروج از مسیر مقرر الهی، چه از حیث اعتقاد، چه از حیث رفتار، در حقیقت مثل این است که از پوست خارج شده است. فاسق در این آیه به خصوص در مورد فسق عملی نیست. چون در فسق عملی این جزاء متوجه نمی‌شود. آن چیزی که اینجا بیشتر مد نظر است، فسق اعتقادی است، یعنی کفر و شرک که این منشاء اضلال و گمراهی جزایی و کیفری است که خداوند در ذیل آیه ۲۶ فرموده است.

به هر حال در این اوصاف که یکی «نقض» عهد است، یکی «قطع ما امر الله به أن یوصل» است و یکی هم «افساد فی الأرض» است؛ در هر سه بیرون آمدن از پوست وجود دارد. نقض عهد، «قطع ما امر الله به» و «افساد فی الأرض»، این‌ها همه با معنای خروج از پوست تناسب دارند.

۲. «نقض»

دومین واژه نقض است. نقض به معنای فک و فسخ است؛ یعنی پاره کردن، گسستن، شکستن در مقابل ابرام به معنای محکم کردن است. غالباً نقض در چیزی استعمال می‌شود که استعداد بقاء در آن هست. اگر در چیزی استعداد بقاء باشد یعنی اگر کاری به آن نداشته باشند، خود به خود باقی باشد و بعد بیایند این را بر هم بزنند، می‌گویند نقض شده است.

لذا می‌فرماید «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ». تفسیر کرده فسق را به نقض عهد بعد از میثاق، یعنی کسانی که می‌شکنند عهد خدا را بعد از میثاق آن، یعنی بعد از محکم کردن آن، این به این معنا است که قبلاً یک پیمانی بین بنده و خداوند محکم بسته شده و نقض آن عهد، یعنی بیرون شدن از پوست این تعهد و پیمان است.

«قطع ما امر الله به ما یوصل» هم همین است، یعنی آنچه را خداوند امر به اتصال آن کرده، اگر بریده شود، اینهم در واقع بیرون شدن از پوست است. پس تناسب بین معنای لغوی فسق و آن معنایی که خداوند فرموده اینجا روشن می‌شود.

۳. عهد

واژه سوم عهد است. عهد به معنای التزام و تعهد در برابر کسی بر امر مخصوصی است؛ اینکه انسان در یک امری خودش را در برابر کسی متعهد و ملتزم بداند، به این می‌گویند عهد. عهد یعنی التزام و در واقع حفظ یک چیز و مراعات آن در همه حال است که دال بر یک نحوه ثبات هم هست.

۴. «میثاق»

میثاق بر وزن مفعال مثل میقات، به معنای ما یوثق به الشیء است. میقات یعنی ما یتحقق به الوقت، یعنی آنچه که وقت به آن محقق می‌شود. میثاق هم یعنی آنچه که شیء بوسیله آن محکم و مطمئن می‌شود. پس میثاق در این بیان به معنای محکم کردن است.

بر این اساس «الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه» یعنی عهدی که بشر با خداوند بسته و التزام و تعهدی که ایجاد شده و محکم شده، آن را نقض می‌کنند و از بین می‌برند.

عهد فی نفسه یک امر الزامی است، چون این یک امر عقلایی است که انسان‌ها به التزامات و تعهداتشان پای بند هستند، اما وقتی میثاق به دنبال عهد می‌آید، یعنی این عهد را الزامی‌تر و محکم‌تر می‌کند. پس در درون عهد معنای استحکام

هست چون یک نوع التزام و تعهد است، ولی میثاق عهد یعنی اتقان و احکام عقد که به تعبیر روان و ساده یعنی این را دو قبضه و الزامی تر می‌کند با اینکه فی نفسه از نظر عقلاء الزام در آن وجود دارد.

۵. «خاسرون»

خاسرون در آخر آیه استعمال شده است. خسارت غیر از ضرر و در مقابل ربح و سود است. این در ادبیات عرب است و الا ما در لغت فارسی این‌ها را بجای هم استعمال می‌کنیم در حالی که ضرر و نفع غیر از خسارت و ربح است. خسارت در مقابل ربح است و ضرر در مقابل نفع است. اگر کسی در یک معامله‌ای منفعتی برایش حاصل شود و یا کالای او ارزش پیدا کند، کلمه نفع را برایش بکار می‌برند. ولی ضرر برمی‌گردد به سود، اگر کسی سود نکند و یا سود کم کند می‌گویند ضرر کرد. در مورد ضرر و اصل سرمایه محفوظ است. کسی که سرمایه‌اش محفوظ است ولی نفع نمی‌برد گاهی تعبیر می‌کنند که او ضرر کرد. اینجا نظر به سرمایه نیست، ولی خسارت همواره در جایی بکار می‌رود که سرمایه آسیب ببیند، حال یا همه سرمایه و یا بخشی از سرمایه. بر این اساس آیه در واقع می‌خواهد بگوید که فاسقین با توجه به اینکه این سه وصف در مورد آن‌ها وجود دارد، سرمایه خودشان را هم از دست داده‌اند. نه تنها ضرر به معنای عدم نفع، بلکه بالاتر از ضرر است. یعنی نفع که به دست نیاورده‌اند هیچ، بلکه سرمایه‌شان را هم از دست دادند. اتفاقاً فرق بین فسق اعتقادی و فسق عملی در همین دو نکته و این دو مطلب نهفته است. کسی که گرفتار فسق اعتقادی است، کافر است و گرفتار خسران است. کسی که گرفتار فسق عملی است ضرر کرده و نفع نبرده، اما به سرمایه او آسیبی نرسیده است، مگر در بعضی از حالات که این فسق آتقادر استمرار پیدا کند و زیاد شود که حتی سرمایه او را هم از او بگیرد.

به هر حال نظیر این آیه با همین تعبیر، (فقط تفاوتش در آخر این آیه و بخش چهارم است)، در سوره رعد هم آمده «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ». بجای «أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»، این جمله را دارد «أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» که انشاءالله در جای خودش درباره این دو بحث خواهیم کرد.

وجه تأیید کیفری بودن اضلال با آیه ۲۷

راجع به ارتباط این آیه با آیه قبل عرض کردیم که در آیه قبل فرمود: «وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ»، جز فاسقین اضلال و گمراهی کیفری و جزایی پیدا نمی‌کنند. بعد به مناسبت، این سه وصف را ذکر کرد؛ و فرمود خداوند فاسقین را گمراه می‌کند، ولی نه اینکه از ابتدا این‌ها را گمراه کند، چون اصلاً اضلال ابتدایی در مورد خداوند محال است و ما این را توضیح دادیم. گویا در این آیه ضمن معرفی این اوصاف فلسفه اضلال کیفری آن‌ها را بیان می‌کند و به همین جهت عرض کردم که این آیه مؤید اضلال کیفری است چون می‌فرماید فاسقان نقض عهد کردند بعد از آنکه آن‌را محکم کرده بودند، و همه آنچه را که خداوند امر کرده بود به وصل آن‌ها قطع کردند و بعد از آنکه در زمین افساد کردند، سرمایه خود را باختند.

۱. سوره رعد آیه ۲۵.

سرمایه این‌ها عهدالله بوده که آن‌را از دست دادند. یعنی با خداوند عهد کردند، اما نقض عهد کردند و پیمان شکستند و چون پیمان شکستند و سرمایه را از دادند، گمراه شدند. پس این گمراهی و اضلال و خسارت در واقع نتیجه نقض عهد است و إلا تا زمانی که نقض عهد و پیمان شکنی نکنند خداوند این‌ها را رها نکرده بود. اضلال این‌ها زمانی اتفاق افتاده که نقض عهد کردند.

بنده معتقدم که این آیه به روشنی خودش مؤید اضلال کیفری و جزایی است. کسی که سرمایه فطرت و ندای حقیقت طلبی درون را خاموش کند و دعوت انبیاء و ارسال رسل و انزال کتب را کنار بگذارد، دیگر سرمایه‌ای برای تکامل و حرکت ندارد و بخاطر همین است که خداوند می‌فرماید اینها خاسرند و کسی که در این دنیا نور فطرتش خاموش شود مساوی است با بودن در تاریکی مطلق و گمراه شدن و کسی که نقشه راه زندگی را کنار بگذارد، قطعاً گمراه می‌شود و این گمراهی هم نتیجه عمل خودشان است که با نقض عهد باعث شدند سرمایه شان را از دست بدهند.

پس این نکته مهمی است که می‌تواند به عنوان مؤید کیفری بودن و جزایی بودن این اضلال مورد توجه قرار بگیرد.

بحث جلسه آینده

بعد از بیان مفردات و ارتباط آیه ۲۷ با آیه ۲۶ و اینکه این ارتباط چگونه است باید درباره این چهار بخش توضیحات و مطالبی عرض کنیم که اصلاً نقض عهد یعنی چه و یا منظور از این عهد که خداوند اشاره کرده چیست که فاسقین آن‌را شکسته‌اند و یا چگونه این عهد میثاق شد و ما امرالله به آن یوصل چیست که آن‌ها آن‌را قطع کردند، منظور از افساد فی الأرض چیست و نهایتاً معنای خسران چیست. این‌ها چهار بخشی است که باید درباره‌اش سخن بگوییم.

«والحمد لله رب العالمین»